

بسم الله الرحمن الرحيم

مذاکرات یا تسلیم؛ چالش‌های ایران در مواجهه با آمریکا و متحدانش!

(ترجمه)

معمولاً دستاوردهایی که در میدان نبرد حاصل می‌شود، به‌عنوان ورقه‌ای از قدرت که توسط طرف قوی‌تر تحمیل می‌شود، شناخته می‌شود. مذاکرات یک روش است که سیاستمداران برای حل مسائل سرنوشت‌ساز به آن روی می‌آورند، به‌طوری که از ادامه درگیری‌ها و جنگ یا حتی آغاز آن جلوگیری کنند. رسول الله صلی الله علیه وسلم نیز در صلح حدیبیه و موارد دیگر با مشرکان به‌طور برابر مذاکره می‌کرد، بدون آنکه هیچ‌گونه تنازلی در مورد احکام الهی که در ارتباط با مذاکرات وضع شده‌اند، انجام دهد. این تفاوت میان کشورهای در حال جنگ واقعی و کشورهای در حال جنگ به‌طور رسمی را مشخص می‌کند. این‌گونه بود که ارتش‌های مسلمانان در جهاد و در گسترش اسلام، قبل از آغاز جنگ، سه گزینه غیرقابل انتخاب ارائه می‌کردند: یا اسلام، یا جزیه، یا جنگ. برای تصمیم‌گیری، سه روز بیشتر وقت نمی‌دادند. نمونه‌ای از این امر را می‌توان در مذاکرات ربیع بن عامر رضی الله عنه با رستم، فرمانده سپاه فارس، دید. اسلام با اجرای این احکام در پهنه زمین گسترده شد و بیش از ۱۳ قرن دوام آورد.

این‌گونه بود که مذاکرات در اسلام با قاطعیت و قدرت، عزت و شجاعت همراه بود. جنگ‌ها در اسلام هیچ‌گاه آتش‌بس‌هایی که شامل پذیرش تنازل از یک حکم شرعی باشد، نمی‌شناسند. حاکمیت اصول اسلام هرگز قابل مذاکره نیست. جنگ در اسلام، جنگی است بر اساس اصول و موجودیت اسلام، نبردی میان تمدن‌ها. هیچ‌گونه تقاطع یا منافع مشترک میان اسلام و سایر تمدن‌های کافری که در جهان وجود دارند، جز آنچه که الله سبحانه و تعالی تعیین کرده، وجود ندارد. مسئله ما اجرای شریعت الله سبحانه و تعالی و زندگی طبق آن است که این امر بزرگ‌تر از خون‌ها و دارایی‌های ماست، بلکه بزرگ‌تر از تمام دنیا و زندگی مادی ماست. زیرا این مسئله، مسئله الله و حاکمیت او بر بندگانش در زمین است.

این مقدمه مختصر ضروری بود زمانی که صحبت از مذاکرات بین ایران و آمریکا به میان می‌آید. پس از آن‌که آمریکا و دست‌نشانده‌اش، رژیم یهود، جنگی علیه ایران آغاز کردند، با این فرض که نظام ایران به‌سرعت فرو خواهد پاشید، برخی از سیاستمداران مرتبط با آمریکا به این فکر افتادند که ایران را تحت کنترل خود درآورند و آن را از کشوری که در دایره نفوذ آمریکا قرار دارد، به کشوری وابسته تبدیل کنند که منافع آمریکا را اجرا کند و از حاکمیت و ثروت‌های خود دست بکشد و از عناصر قدرت خود صرف‌نظر نماید. اما آنچه که آمریکا به آن امید داشت، محقق نشد. صداهایی که خواهان رهایی از وابستگی به آمریکا بودند، توانستند کنترل کشور را به‌دست گیرند و ایران را به نخستین سرزمین اسلامی تبدیل کنند که استقلال واقعی از غرب کافر را به‌دست می‌آورد. این گروه توانستند با پاسخ موشکی خود به آمریکا و رژیم یهود ضربات سختی وارد کنند و آسیب زیادی به آن‌ها بزنند. همچنین، ایران با قدرت از ورقه تنگه هرمز استفاده کرد، که تأثیر زیادی بر جهان گذاشت و افکار عمومی جهانی علیه تجاوزات بی‌دلیل آمریکا و رژیم یهود شکل گرفت. متحدان آمریکا از حمایت آن‌ها خود داری کردند و حتی در جنگ با ایران کمکی نکردند، و این باعث شد که آمریکا بیشتر در باتلاق غرق و گرفتار شود.

این وضعیت به مشکلات داخلی شدید و بحران اقتصادی فزاینده‌ای که آمریکا از پیش در آن گرفتار بود، افزوده شد. حتی برخی کشورها بر اساس گزارش‌های رسانه‌ها، کمک‌های فنی و نظامی به ایران ارسال کردند. اروپا نیز می‌داند که اگر آمریکا بتواند اهداف خود را در ایران و منطقه محقق کند، آسیب بزرگی به آن وارد خواهد شد، به‌ویژه چین که بیشتر نفت خود را از ایران وارد می‌کند، بنابراین اروپا از کمک به آمریکا و خارج کردن آن از این بحران خودداری کرد.

پس ترامپ، درمانده و پریشان در جستجوی راه‌حل برای حفظ آبروی خود، به تنها گزینه‌ای که در دسترس داشت یعنی مذاکرات روی آورد. امریکا در این زمینه با فریب، تهدید و تشویق مهارت دارد، به امید آنکه آنچه را که ماشین جنگی پیشرفته‌اش در میدان نبرد نتوانسته به‌دست آورد، از طریق مذاکره محقق کند. اظهارات متناقض ترامپ ادامه یافت و او به مشتریان و دست‌نشانده‌های خود در مصر، ترکیه و پاکستان دستور داد تا ایران را به پای میز مذاکره بکشانند. سپس، امریکا ۱۵ شرط برای مذاکره ارائه کرد که در حقیقت به‌عنوان شرایط تسلیم ایران تلقی می‌شد. ایران این شروط را رد کرد و جایگزین‌هایی برای آن‌ها پیشنهاد داد. ترامپ، با این حال، این جایگزین‌ها را پذیرفت و اعلام کرد که شرایط برای آغاز مذاکرات مناسب است، حتی که این پیشنهادات هیچ اشاره‌ای به پرونده هسته‌ای یا موشک‌های بالستیک که خود او به‌عنوان دلایل جنگ ذکر کرده بود نداشت.

این نشان می‌دهد که ترامپ در موقعیت دشواری قرار دارد و امیدوار است از طریق مذاکره چیزی بدست آورد. او سپس هیأتی به‌ریاست معاون خود، فانس، به پاکستان فرستاد تا اولین دور از مذاکرات را که ۲۱ ساعت به‌طول انجامید، برگزار کند. پس از این مذاکره، فانس اعلام کرد که مذاکرات شکست خورده است، شاید برای فشار آوردن به ایران و وادار کردن آن به عقب‌نشینی. اما دو روز بعد، او با تناقضی آشکار اعلام کرد که مذاکرات پیشرفت خوبی داشته و امکان برگزاری دور جدیدی از مذاکرات وجود دارد! این همه نشان‌دهنده‌ آشفته‌گی سیاست خارجی امریکا و ضعف قدرت نظامی آن است، که آخرین کارت خود را برای حفظ جایگاهش به‌عنوان نخستین قدرت جهانی بازی می‌کند.

غرب کافر همیشه عادت دارد که دشمنان خود را به دام مذاکرات و بازی‌های سیاسی بکشاند، اگر نتواند آنچه را می‌خواهد از طریق جنگ و تهدید به‌دست آورد. در این صورت، او حساب‌های خود را دوباره بررسی می‌کند و نیروهای خود را تقویت می‌کند تا اثرات آنچه که انجام داده را کاهش دهد، به‌ویژه در برابر افکار عمومی جهانی که مخالف اوست. پیامی که به کسانی که در ایران مسئولیت امور را در دست دارند، می‌فرستیم: آنچه که سپاه پاسداران انقلاب و ارتش انجام داده‌اند، کاری مبارک و ستودنی است. اجازه ندهید که امریکا آنچه را که نتوانسته در تجاوزات و محاصره‌های خود علیه شما به‌دست آورد، در میز مذاکره به‌دست آورد. امریکا در وضعیت سختی به‌سر می‌برد؛ اختلافات داخلی آن شدید است و بحران اقتصادی‌اش روزه‌روز تشدید می‌شود. ضعف و زوال آن مانند خورشید در روز روشن آشکار است و این از برکناری‌های اخیر در رده‌های فرماندهی نظامی آن قابل مشاهده است. انتخابات میان‌دوره‌ای آن نزدیک است و حتا انتخابات ریاست‌جمهوری در دو سال آینده و امریکا در حال غرق شدن است. اگر نه برای خیانتکاران و دست‌نشانده‌هایش در میان مسلمانان، این کشور حتا نمی‌توانست سرپا بماند.

پس تصمیمات خود را محکم بگیرید و هرگونه ارتباطی که امریکا در ایران برقرار کرده است را قطع کنید. دست‌های خود را به سوی امت اسلامی دراز کنید و از هرگونه نزاع‌های طایفه‌ای یا قومی نفرت‌انگیز دوری کنید. امت اسلامی یکی است و پروردگار آن نیز یکی است. از ارتش‌های سرزمین‌های مسلمان بخواهید که با زبان اسلام از حاکمان دست‌نشانده خود کنار بگذارند و به جنگ امریکا و رژیم یهود بپیوندند. آن‌ها باید در راه آزادی سرزمین‌ها و مردم از ظلم سرمایه‌داری و برقراری عدالت اسلامی تلاش کنند. آگاه باشید ای رهبران ایران! مذاکرات با دشمن به او فرصتی برای کسب زمان و تقویت نیروهایش می‌دهد. ارسال سربازان و ناوهای جنگی همچنان ادامه دارد؛ بلکه به غلام ذلیلش، عاصم منیر، دستور داده‌اند که هواپیماها و سربازان خود را به عربستان بفرستند تا در صورت لزوم با برادران خود بجنگند. جنگ در سرزمین‌های ما در جریان است، هواپیماهای آنان از خاک ما برخاسته و با ارتش‌هایی که با پول‌های ما آماده شده‌اند، می‌جنگند تا کنترل خود را بر سرزمین‌هایمان حفظ کنند و منابع ما را غارت نمایند.

لذا کسانی که پیش از شما در فلسطین، افغانستان و جاهای دیگر در مذاکرات با دشمن شرکت کردند عبرت بگیرید؛ چرا که پس از دستیابی امریکا به اهدافش، آن‌ها را پشت سر گذاشت. همچنین از آنچه که سیاستمداران ایران در سال‌های گذشته برای خدمت به منافع امریکا انجام داده‌اند، عبرت بگیرید. زمانی که امریکا تصور کرد که می‌تواند پروژه‌اش را در خاورمیانه اجرایی کند، آن‌ها را به قتل رساند. اجازه ندهید امریکا از بحران خود خارج شود؛ هیچ‌گونه مذاکرات یا آتش‌بس‌هایی که در آن از احکام اسلام کوتاه بیایم، نباید پذیرفته شود. یا باید با اسلام عظیم‌مان

زمین را لرزان کنیم تا سیستم غرب کافر فرو ریزد و این تنها با بیداری کامل امت اسلامی از ارتش‌ها، علما، جوانان و تمامی قدرتهایی که در دست داریم امکان‌پذیر است. باید مسئله اسلام، بلند کردن کلمه توحید و برپایی دولت اسلامی، مسئله‌ای سراسری و فراگیر برای تمامی امت باشد، تا معادله درگیری میان اسلام و غرب صلیبی به شکل واقعی تغییر کند. در غیر این صورت، همچنان در مصیبت‌ها و بحران‌ها غرق خواهیم ماند و بدانید که هزینه ذلت از هزینه عزت بالاتر است، اگر آگاه باشید.

د. عبد الإله محمد – ولایه اردن

برگرفته از جریده الرأیه

مترجم: پارسا امیدی